

## استفاده از عنوان دکتری توسط دارندگان سطح چهار حوزه

عاطفه ذبیحی\*

### چکیده

در پی شکایت عضو هیئت علمی یکی از دانشگاه‌های کشور از بخشنامه هیئت مرکزی جذب اعضای هیئت علمی وزارت «علوم، تحقیقات و فناوری» با مضمون عدم جواز استفاده از عنوان دکتری توسط دارندگان سطح چهار حوزه و امکان پیگرد قانونی این اقدام که در سال ۱۳۹۲ به دانشگاه‌ها ابلاغ شد، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در مردادماه ۱۳۹۸ حکم به عدم ابطال بخشنامه نمود که این دادنامه از جهاتی محل تأمل به نظر می‌رسد. بخشنامه مزبور به تأسی از «قانون مجازات استفاده غیرمجاز از عناوین علمی» در سال ۱۳۸۸ با هدف جلوگیری از شیوع مدرک‌گرایی و آثار و تبعات اجتماعی و فرهنگی استفاده از عناوین و القاب علمی و دانشگاهی توسط افراد فاقد مدرک معتبر از مراجع ذی‌صلاح به تصویب رسیده است. پژوهش حاضر با بررسی روند تصویب قانون و بخشنامه مورد بحث و تحلیل دادنامه صادره، به بیان مواردی که در بررسی پرونده در هیئت عمومی دیوان مورد تغافل واقع شده، به روش توصیفی-تحلیلی پرداخته است. خروج مرجع واضع بخشنامه از صلاحیت و وضع مقرر مغایر قانون به استناد بند یک ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ در پی افزایش دامنه شمول قانون مذکور در بخشنامه و عدم توجه به برخی اصول تفسیری قانون چون «تفسیر قانون مبتنی بر هدف از وضع آن» از نکاتی است که در رأی مورد توجه قرار نگرفته است.

**واژگان کلیدی:** هیئت عمومی دیوان عدالت، مدرک معادل، وزارت علوم، شورای عالی انقلاب فرهنگی، نظارت قضایی

## مقدمه

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، در پی شکایت عضو هیئت علمی یکی از دانشگاه‌های کشور ناظر به بخشنامه شماره ۱۹/۵/۱۲۴۲۰۲-۱۳۹۲/۱۲/۲۰ «هیئت مرکزی جذب اعضای هیئت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» در تاریخ یکم مردادماه سال ۱۳۹۸ مبادرت به صدور رأی نموده است که مقاله حاضر درصد بررسی و تحلیل این دادنامه به شماره ۸۳۷ کلاسه پرونده ۱۳۲۰/۹۷ است. متن دادنامه صادره از هیئت عمومی دیوان به شرح ذیل است:

«نظر به این که به موجب ماده واحده قانون مجازات استفاده غیرمجاز از عناوین علمی مصوب سال ۱۳۸۸، شرایط اخذ و استفاده از عناوین علمی مستلزم داشتن مدرک معتبر از مراکز علمی و دانشگاهی داخلی و یا خارجی مورد تأیید وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری یا بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد و مرتکبین به مجازات ماده ۵۵۶ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد و از طرفی مصوبه شماره ۳۶۸-۱۳۷۴/۱۱/۳-شورای عالی انقلاب فرهنگی صرفاً استفاده از امتیازات و مزایای علمی و استخدامی را برای دارندگان سطح چهار حوزوی در حد دکتری تجویز کرده و مشعر به جواز استفاده از عنوان دکتری نیست، چه این که اگر شورای عالی انقلاب فرهنگی در این مقام بوده با بیان ساده‌تری می‌توانست سطح چهار را همان دکتری دانشگاهی تعریف و تعیین کند، بنابراین بخشنامه مورد شکایت با قانون مغایرت ندارد و ابطال نشد».

### مشخصات رأی

شماره دادنامه: ۸۳۷ (کلاسه پرونده ۱۳۲۰/۹۷)

تاریخ: ۱۳۹۸/۵/۱

خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۱۹/۵/۱۲۴۲۰۲-۱۳۹۲/۱۲/۲۰-هیئت مرکزی جذب

اعضای هیئت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

خواهان: آقای امیرعباس مهدوی فر

مرجع رسیدگی‌کننده (صدور رأی): هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

## ۱. پیشینه حقوقی بحث

بخشنامه هیئت مرکزی جذب اعضای هیئت علمی وزارت «علوم، تحقیقات و فناوری» که موضوع شکایت عضو هیئت علمی یکی از دانشگاه‌های کشور، قرار گرفته است؛ ناظر به ماده واحده مصوب ۱۳۸۸ در مورد استفاده دارندگان سطح ۴ حوزه از عنوان «دکتر» در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰ صادر و به دانشگاه‌ها ابلاغ شده است. پیرو استیضاح و برکناری وزیر کشور وقت در آبان ماه ۱۳۸۸ به دلیل استفاده از مدرک دکترای جعلی، به منظور جلوگیری از پیامدهای حقوقی، اجتماعی و فرهنگی استفاده غیرقانونی از عناوین علمی، مجلس شورای اسلامی مبادرت به تصویب قانون مجازات استفاده غیرمجاز از عناوین علمی در سال ۱۳۸۸ نمود و به موجب این قانون، بکارگیری عناوین علمی بدون مجوز قانونی را جرم‌انگاری نمود.

به موجب ماده واحده قانون مزبور «استفاده از عناوین علمی دکتر، مهندس و مانند این‌ها که شرایط اخذ آن مطابق قوانین و مقررات مربوط تعیین می‌گردد توسط هر فرد برای خود، مستلزم داشتن مدرک معتبر از مراکز علمی و دانشگاهی داخلی و یا خارجی مورد تأیید رسمی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری یا بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد. مرتکبین استفاده غیرمجاز از عناوین علمی مذکور به مجازات ماده (۵۵۶) فصل هشتم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی<sup>۱</sup> محکوم خواهند شد». به موجب تبصره ماده واحده «استفاده غیرمجاز از عناوین فوق شامل استفاده در مکاتبات اداری یا در تبلیغ عمومی از طریق وسایل ارتباط جمعی مانند رادیو، تلویزیون، روزنامه، مجله، تارنما (سایت) یا نطق در مجامع و یا انتشار اوراق چاپی یا خطی خواهد بود».

پس از آن وزارت علوم در پاسخ به این سوال که «آیا اطلاق عنوان دکتر برای دارندگان سطح چهار حوزه مشمول ممنوعیت استفاده از عناوین دکتری مندرج در

---

۱. ماده ۵۵۶ قانون مجازات اسلامی به شرح زیر است: «هر کس بدون مجوز و به صورت علنی لباس‌های رسمی مأموران نظامی یا انتظامی جمهوری اسلامی ایران یا نشان‌ها، مدال‌ها یا سایر امتیازات دولتی را بدون تغییر یا با تغییر جزئی که موجب اشتباه شود مورد استفاده قرار دهد در صورتی که عمل او به موجب قانون دیگری مستلزم مجازات شدیدتری نباشد به حبس از سه ماه تا یک سال و یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال محکوم خواهد شد و در صورتی که از این عمل خود سوءاستفاده کرده باشد به هر دو مجازات محکوم خواهد شد».

ماده واحده می‌شود؟»، به موجب بخشنامه‌ای به شماره ۱۹/۵/۱۲۴۲۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰، منع استفاده علما و فضایی حوزوی از این عنوان را به شرح ذیل به دانشگاه‌ها ابلاغ نمود. در واقع سوال مزبور را باید ناظر به تفسیر دقیق مفاد مصوبه جلسه ۳۶۸ مورخ ۱۳۷۴/۱۱/۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی<sup>۱</sup> در خصوص ارزشیابی مدارک تحصیلی صادر شده مدیریت حوزه علمیه به منظور استفاده از مزایای علمی و استخدامی مدارک دانشگاهی دانست. توضیح بیشتر این که با توجه به این که از این مدارج به عنوان مدرک معادل دکتری یاد می‌شود، دارندگان مدارک سطح ۴ حوزه، حق استفاده از عنوان دکتر را نداشته و «مزایای علمی و استخدامی» مندرج در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی شامل القاب نمی‌شود. متن بخشنامه مورد بحث به شرح ذیل است:

«برابر ماده واحده مصوب مجلس شورای اسلامی مورخه ۱۳۸۸/۱۲/۲۵، سوءاستفاده از عناوین علمی دکتر، مهندس و مانند آن و استفاده غیرمجاز پس از آن در مکاتبات اداری و یا وسایل ارتباطی جمعی مانند رادیو، تلویزیون، روزنامه، مجله، سایت و در نطق‌ها و مجامع عمومی، اوراق چاپی یا خطی، مشمول مجازات ماده (۵۵۶) قانون مجازات اسلامی می‌شود و سوءاستفاده‌کننده به میزان سه ماه تا یک سال حبس و جزای نقدی محکوم می‌شود. لذا کسانی که قبل از اتمام دوره دکتری در مقالات یا کتاب‌ها و مکاتبات از این عناوین استفاده کنند یا دارندگان مدارک معادل و سطح ۳ و ۴ حوزه و خبرگان بدون مدرک که این عناوین را برای خود به کار ببرند؛ پرونده علمی آنان فاقد وجاهت قانونی و قابل ارجاع به مراجع

۱. به موجب مصوبه مذکور «... ۴- طلاب و فضایی حوزه علمیه که بر اساس مدرک صادر شده مدیریت حوزه علمیه قم، دوره سطح چهار را طبق برنامه پیوست، در یکی از رشته‌های فقه و اصول، تفسیر و علوم قرآن، قضا، عقاید و کلام، ادیان و مذاهب و تربیت مبلغ گذرانده‌اند، از کلیه مزایای علمی و استخدامی فارغ‌التحصیلان دوره دکترای دانشگاه‌ها برخوردار خواهند بود ...». قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی: <https://sccr.ir/legislation/>

همچنین در تبصره ۴ ماده ۲ شیوه ارزیابی موضوع ماده ۲ بخش اول آیین‌نامه ارتقا از شیوه‌نامه اجرایی آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی مؤسسه‌های آموزشی: بخش اول (مصوب جلسه ۶۷۹ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی) آمده است که تدریس در هریک از سطوح ۱، ۲، ۳ و ۴ حوزه علمیه، به ترتیب معادل تدریس در دوره کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری خواهد بود.

قضایی است. مقتضی است در بررسی مدارک علمی متقاضیان، این نکات مورد توجه قرار گیرد». در نهایت ضمن شکایت به دیوان عدالت اداری به خواسته ابطال بخشنامه مرکز جذب وزارت علوم، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با صدور دادنامه مورخ ۱۳۹۸/۵/۱ به شرحی که گذشت بخشنامه مزبور را تأیید نمود.

## ۲. تحلیل دادنامه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

ایرادات وارد بر دادنامه در دو سطح ایرادات شکلی و ماهوی قابل بحث است:

### ۱.۲. بررسی ایرادات شکلی

عدم صلاحیت هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به این شکایت، عدم تنظیم دادخواست و ارائه درخواست در نامه عادی و عدم احراز نمایندگی شاکی که خود را نماینده گروه معارف دانشگاه معرفی نموده از جمله ایرادات احتمالی است که ممکن است به ذهن متبادر شود<sup>۱</sup>.

در پاسخ به ایرادات مذکور باید اذعان داشت نظر به این که خواسته، ابطال بخشنامه بوده؛ رسیدگی به آن در صلاحیت هیئت عمومی است که این اعطای صلاحیت به دلیل اهمیت مصوبات اداری دانسته شده است (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۲: ۴۹۲). هرچند واگذاری صلاحیت ابطال مقررات دولتی به هیئت عمومی دیوان عدالت را به دلیل پیامد نامطلوب عدم امکان تعبیه فرایند تجدیدنظرخواهی، در تضاد با حق دادخواهی مندرج در اصل ۳۴ قانون اساسی برشمرده‌اند (گرگی، ۱۳۸۷: ۱۷۳، آقایی طوق، ۱۳۹۶: ۱۱). همچنین به موجب صدر ماده ۸۰ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲<sup>۲</sup>، الزامی به تنظیم فرم دادخواست برای رسیدگی

---

۱. ایرادات مذکور توسط خواننده دعوی نیز مورد اشاره قرار گرفته است، به موجب لایحه شماره ۱۳۹۷/۸/۶-۷/۷۵/۱۹۰۷۹۳ مدیرکل دفتر حقوقی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، قابل دسترس در

پایگاه اینترنتی دیوان عدالت اداری به آدرس: <https://divan-edalat.ir/aho-detail/12214>.

۲. ماده ۸۰- تقاضای ابطال مصوبات در هیئت عمومی دیوان، با تقدیم درخواست انجام می‌گیرد. در درخواست مذکور، تصریح به موارد زیر ضروری است: الف- مشخصات و اقامتگاه درخواست کننده؛ ب- مشخصات مصوبه مورد اعتراض؛ پ- حکم شرعی یا مواد قانونی که ادعای مغایرت مصوبه با آن شده؛ ت- دلایل و جهات اعتراض از حیث مغایرت مصوبه با شرع یا قانون اساسی یا سایر قوانین یا خروج از اختیارات مرجع تصویب کننده؛ ث- امضا یا اثر انگشت درخواست کننده

هیئت عمومی دیوان وجود ندارد<sup>۱</sup> و از سوی دیگر، به قیاس اولویت تبصره ماده مذکور، احراز نمایندگی نیز لازم نیست؛ چرا که تبصره ماده حتی ذی‌نفع بودن درخواست کننده را لازم ندانسته است؛ لذا در صورت عدم وجود نمایندگی قانونی یا قراردادی نیز ادعای هر تنظیم کننده درخواست ابطال بخشنامه، چنان چه در خواست وی واجد شرایط پنجگانه مندرج در ماده ۸۰ باشد، قابل رسیدگی خواهد بود. بنابراین از جهت شکلی ایرادی به دادنامه وارد نخواهد بود.

## ۲.۲. بررسی ایرادات ماهوی

بند یک ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲<sup>۲</sup>، رسیدگی به تظلمات و شکایات از مقررات و مصوبه‌های مغایر با قانون یا خارج از صلاحیت مرجع واضع را از جمله وظایف و صلاحیت‌های هیئت عمومی دیوان، برشمرده و ماده ۸۸ قانون مذکور<sup>۳</sup> نیز مجوز ابطال تمام یا قسمتی از مصوبه را صادر می‌نماید. به نظر می‌رسد افزایش دامنه شمول ماده واحده قانون استفاده غیرمجاز از عناوین علمی در بخشنامه مصداق اقدام «خارج از صلاحیت مرجع واضع» به شمار رود. از سوی دیگر، مغایرت بخشنامه با قانون که ناشی از عدم توجه به اصول تفسیر قانون بوده، می‌تواند از جهات ابطال حداقل بخشی از بخشنامه به شمار رود که در ذیل به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

---

تبصره- سایر مقررات مربوط به تنظیم، ارسال و ثبت دادخواست، به استثناء ذی‌نفع بودن درخواست کننده و پرداخت هزینه دادرسی، در درخواست ابطال مصوبه نیز جاری است. درخواست‌ها توسط رئیس دیوان، به دفتر هیئت عمومی ارجاع می‌شود.

۱. در مقام تبیین مختصر تفاوت دادخواست و درخواست می‌توان چنین بیان کرد که درخواست در خصوص امور غیرترافیعی یعنی اموری است که رسیدگی به آن در دادسرا به صورت انفرادی و غیرعلنی بوده؛ در حالی که دادخواست برای حل یک مرافعه و متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه است و از سوی دیگر دادخواست برخلاف درخواست باید در فرم مخصوص چاپی نوشته شود. رابطه این دو مفهوم را می‌توان عموم و خصوص مطلق دانست.

۲. رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود.

۳. هیئت عمومی، در اجرای بند (۱) ماده (۱۲) این قانون می‌تواند تمام یا قسمتی از مصوبه را ابطال نماید.

## ۱.۲.۲. افزایش دامنه شمول ماده واحده قانون استفاده غیرمجاز از عناوین

### علمی در بخشنامه

چنان که در ابتدای بخشنامه مرکز جذب تصریح شده بخشنامه مزبور مبتنی بر ماده واحده صادر شده و حتی در لایحه دفاعیه، رئیس مرکز جذب اعضای هیئت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در جریان رسیدگی پرونده نیز الفاظ بخشنامه را دقیقاً منطبق بر مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و ماده واحده مصوب مجلس دانسته است.<sup>۱</sup> این در حالی است که به متن ماده واحده توجه لازم مبذول نشده است.

توضیح این که در قانون استفاده غیرمجاز از عناوین علمی، موضوع قانون «استفاده از عناوین علمی» همچون دکتری است که قانون مزبور یکی از مراجع معتبر برای صدور مجوز را شورای عالی انقلاب فرهنگی معرفی نموده است. تأیید این مرجع برای اعتبار مدرک حوزوی معادل مدرک دانشگاهی، بر جرم نبودن استفاده از این عناوین صحه می‌گذارد؛ در غیر این صورت لزومی به ذکر این مرجع در متن ماده واحده نبود. بنابراین حتی اگر استفاده از عنوان دکتری برای دارندگان مدارک حوزوی فاقد اعتبار و غیرمجاز باشد، این استفاده تحت عنوان جرم نمی‌تواند پیگرد قانونی داشته باشد. این در حالی است که بخشنامه علاوه بر امکان ارجاع به مراجع قضایی، پرونده علمی افراد مزبور را از صلاحیت بررسی خارج دانسته است. این نکته شایان ذکر است که با توجه به تصریح بخشنامه به قانون مجازات مورد بحث، ناگزیر عبارت «ارجاع به مراجع قضایی» در متن بخشنامه را باید اقدام در جهت پیگرد کیفری تعبیر نمود که نظر به ماده واحده و دامنه شمول آن این قید محل تأمل است.

بنابراین هیئت عمومی دیوان به استناد قید «دارندگان مدارک معادل و سطح ۳ و ۴ حوزه و خبرگان بدون مدرک که این عناوین را برای خود به کار ببرند پرونده علمی آنان فاقد وجاهت قانونی و قابل ارجاع به مراجع قضایی است» و مغایرت آن با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی باید مبادرت به ابطال بخشنامه می‌نمود؛ چرا که بخشنامه وزارت علوم، اقدام به افزایش دامنه شمول ماده واحده قانون استفاده غیرمجاز از عناوین علمی ناظر به ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نموده و

۱. لایحه شماره ۱۸۶۰۶۳-۱۳۹۷/۸/۱ رئیس مرکز جذب اعضای هیئت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، قابل

دسترس در پایگاه اینترنتی دیوان عدالت اداری به آدرس: <https://divan-edalat.ir/aho-detail/12214>

مصادیقی را اضافه نموده؛ در حالی که در مورد جرایم اصل بر تفسیر مضیق است و موارد تردید را باید خارج از شمول ماده برشمرد. همچنین بخشنامه مجازات را نیز توسعه بخشیده و «پرونده علمی» فرد و نه اطلاق عنوان «دکتر» را فاقد وجهت قانونی دانسته است. موارد مذکور می‌تواند مصداق اقدام خارج از صلاحیت مرجع صادرکننده بخشنامه به شمار رود که استناد به ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ را قابل توجیه می‌سازد.

### ۲.۲.۲. عدم توجه به اصول تفسیر قانون

تفسیر قانون مبتنی بر هدف از وضع آن و نیز تفسیر در راستای اصل تناسب جرم و مجازات و لزوم تفسیر مضیق قانون از جمله اصولی است که در مقام تفسیر قانون باید مورد توجه قرار گیرد. عدم توجه به مقصود قانون‌گذار محملی برای تصویب قانون یا مصوبه مغایر را ایجاد می‌نماید که به نظر می‌رسد این امر در تصویب بخشنامه مورد توجه قرار نگرفته است.

با توجه به این که در تفسیر یک قانون، دست یافتن به مراد قانون‌گذار ملاک است نه برداشت مخاطب از متن، از این رو حتی در مقام تفسیر نیز نمی‌توان هدف از وضع قانون را نادیده انگاشت. یکی از روش‌های تفسیر قانون که در آن از ملاحظات تاریخی برای کشف منظور قانون‌گذار استفاده می‌شود، تفسیر تاریخی است. در این نوع تفسیر، متن قانونی با لحاظ منشأ تاریخی قانون و اوضاع و احوالی که قانون در آن وضع شده تفسیر می‌شود (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۵: ۱۵۴، جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، مدخل تفسیر) که می‌توان کشف مقصود قانون‌گذار را از طریق مذاکرات و مطالبی که هنگام وضع قانون از ناحیه قانون‌گذار بیان شده، از این قبیل دانست. البته برخی مورد اخیر را در زمره تفسیر منطقی قانون برشمرده‌اند. بدین ترتیب که مقصود از تفسیر منطقی را «رجوع قاضی به گزارش‌های توجیهی و امور مقدماتی و صورت‌جلسات تنظیمی در موقع تدوین لوایح توسط دولت، همچنین مباحثات مجلس و کمیسیون‌های مربوطه به منظور کشف هدف واقعی قانون‌گذار و تطبیق آن بر موارد ابهام و اجمال» توصیف نموده‌اند (گلدوزیان، ۱/۱۳۶۸: ۱۶۸).<sup>۱</sup> در این راستا،

۱. هر چند به عنوان تعریف از تفسیر منطقی از جامعیت لازم برخوردار دانسته نشده و ذکر قیود دیگری در آن لازم شمرده شده (قیاسی، ۱۳۷۹: ۷۸)؛ در مجموع برای موضوع بحث و دستپایی به مراد مقنن راهگشا می‌نماید.



اهداف توجیهی طرح یا لایحه و نیز مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی به عنوان مرجع واضع قانون می‌تواند در مواضع ابهام قانون مورد استناد قرار بگیرد.

۱. در ماده واحده مورد بحث، هدف ابتدایی طرح ارائه شده به مجلس شورای اسلامی، «پیشگیری از استفاده نابجا از عناوین علمی که با قصد ارتقای صوری پایگاه اجتماعی فرد استفاده‌کننده به منزله فریب دیگران و سوءاستفاده مادی و معنوی» ذکر شده بود (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۱: ۵). به نظر می‌رسد برای فردی که قانوناً از کلیه مزایای علمی و استخدامی مدرک دکتری دانشگاهی برخوردار است، اطلاق عناوین «فریب، سوءاستفاده و ارتقای صوری پایگاه اجتماعی»، مصداقی نداشته باشد. به ویژه در بررسی پرونده علمی ایشان در دانشگاه‌ها نظر به وجود اصل و کپی مدارک حوزوی در پرونده، صرف به کارگیری عنوان «دکتر»، نمی‌تواند مثبت سوءنیت متقاضی باشد تا به استناد جرم بودن عمل بتوان طبق بخشنامه مرکز جذب، پرونده را فاقد وجاهت قانونی دانست.

۲. ضمن بررسی لایحه ماده واحده در صحن علنی مجلس نیز نمایندگان محترم به شمول ماده نسبت به دارندگان مدرک حوزه ایراد نمودند که منجر به اضافه شدن قید «مجوز شورای عالی انقلاب فرهنگی» شد، بنابراین جرم‌انگاری عنوان دکتر در موضوع بحث صحیح نخواهد بود.

۳. به علاوه، نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات نیز می‌تواند از دیگر ابزارها برای فهم مقصود و هدف قانون‌گذار باشد. در مورد ماده واحده مجازات استفاده از عناوین علمی، تنها ایراد شورای نگهبان در بررسی قانونی خود ابهام طرح در زمینه شمول یا عدم شمول مجازات نسبت به مدارک حوزوی بود که پس از افزودن «شورای عالی انقلاب فرهنگی» به مراکز تأییدکننده اعتبار عناوین علمی، شورای نگهبان طرح را تأیید نمود.<sup>۱</sup>

---

۱. متن نظریه شماره ۳۷۳۲۹/۳۰/۸۸ شورای نگهبان بدین شرح است: «رئیس محترم مجلس شورای اسلامی؛ عطف به نامه شماره ۵۶۷۴۹/۳۴۹ مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۶؛ «طرح مجازات استفاده غیرمجاز از عناوین علمی» مصوب جلسه مورخ چهارم بهمن ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هشت مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد: ماده واحده از این نظر که مشخص نیست آیا شامل مدارک علمی چهارگانه حوزه‌های علمیه

۴. از سوی دیگر، مجلس شورای اسلامی اساساً حق وضع قانون خلاف مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را ندارد که این مضمون در یکی از نظریات شورای نگهبان نیز منعکس شده است. در نظریه شماره ۸۱/۳۰/۱۹۴۳ مورخ ۱۳۸۱/۹/۵ شورای نگهبان به استناد اصل ۱۵۷ قانون اساسی مقرر نموده که مجلس نمی‌تواند برخلاف مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی طرح یا لایحه‌ای تصویب نماید (مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۸۳: ۱۸۰). همچنین این حوزه اختیارات را می‌توان از بند نخست اصل ۱۱۰ قانون اساسی که به تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران توسط رهبری با مشورت مجمع تشخیص مصلحت نظام اختصاص یافته استنباط نمود. چنان‌که این بند را دلیل وظیفه مجلس بر وضع قوانینی دانسته‌اند که فراتر از سیاست‌های کلی تعیینی توسط رهبری نباشد (عمید زنجانی، ۱۳۸۷: ۲۵۶) و با توجه به این که به موجب قسمت ذیل اصل ۱۱۰ قانون اساسی، رهبری نظام، اختیار خود در تعیین سیاست‌های کلی فرهنگی را به شورای عالی انقلاب فرهنگی تفویض نموده؛ وظیفه مجلس بر آن دانسته شده که مصوبات خود را با سیاست‌های کلی شورا منطبق نماید (مهرپور و دیگران، ۲۰۱۳۸۰: ۳۹۶).

همچنین، عبارت متن دادنامه هیئت عمومی دیوان در مورد مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی که تصریح نموده این مصوبه «مشعر به جواز استفاده از عنوان دکتری نیست، چه این که اگر شورای عالی انقلاب فرهنگی در این مقام بوده با بیان ساده‌تری می‌توانست سطح چهار را همان دکتری دانشگاهی تعریف و تعیین کند»، مبهم بوده و وجه عبارت مذکور برای اثبات عدم جواز استفاده از عنوان دکتری در دادنامه مزبور محل تردید است؛ چه این که مصوبه مذکور به تصریح برخورداری از «کلیه مزایای علمی و استخدامی فارغ‌التحصیلان دوره دکتری دانشگاه‌ها» را برای دارندگان مدارک سطح ۴ حوزه ذکر نموده؛ گرچه تردیدی وجود ندارد که به دلیل تفاوت روش و محتوای آموزش در حوزه و دانشگاه این دو همانند یکدیگر نمی‌باشند؛ (چنان‌که در بیانات مقام معظم رهبری نیز عدم نیاز حوزه به این القاب

به تبع همین تفاوت‌ها تصریح شده است). بنابراین با توجه به عام بودن عبارت، عموم آن را باید شامل عنوان هم بدانیم و در صورت تردید نیز تفسیر عبارت مذکور، صرفاً باید از سوی مرجع واضح آن یعنی شورای عالی انقلاب فرهنگی صورت گیرد. حتی اگر استفاده از عنوان «دکتر» را از شمول مصوبه خارج بشماریم؛ اشکال وارد به رأی دیوان آن جاست که چگونه می‌توان فردی را که با مدرک معادل دکتری می‌تواند از کلیه مزایای مدرک دانشگاهی برخوردار باشد، به صرف استفاده از عنوان دکتر، «مجرم» تلقی نموده تا حدی که وی مستحق مجازات مندرج در ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با حداقل مجازات سه ماه حبس، دانست. در واقع با توجه به این که هدف از جرم‌انگاری جلوگیری از تقلب و ... بوده و تقلب در این بحث منتفی است؛ معنا ندارد کسی را که مدرک او از لحاظ علمی معتبر است، مشمول عنوان مجرمانه دانست؛ لذا تناسب جرم و مجازات مقتضی اصلاح این بخشنامه است.<sup>۱</sup>

## نتیجه

پیرو بررسی دادنامه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۹۸/۵/۱ ناظر به درخواست ابطال بخشنامه شماره ۱۹۵/۱۲۴۲۰۲-۱۳۹۲/۱۲/۲۰ هیئت مرکزی جذب اعضای هیئت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، به نظر می‌رسد اشکالاتی از قبیل افزایش دامنه شمول ماده واحده قانون استفاده غیرمجاز از عناوین علمی و عدم توجه به برخی اصول تفسیری قانون چون «تفسیر قانون مبتنی بر هدف از وضع آن» و نیز «تفسیر در راستای اصل تناسب جرم و مجازات» در بخشنامه وزارت علوم، به ترتیب مصادیق اقدام خارج از صلاحیت مرجع واضح مصوبه و وضع مصوبه مغایر قانون مندرج در بند یک ماده ۱۲ قانون تشکیلات و

۱. در همین راستا، چنین اظهار شده است که: «کسی از پتک برای شکستن یک فندق استفاده نمی‌کند. کسی نباید برای کنترل رفتاری که می‌تواند به وسیله سایر رشته‌های حقوقی به شکل مؤثری تحت نظم درآید از حقوق جزا استفاده کند»، (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۱: ۲۲۴) و به همین دلیل است که سزار بکاریا، شقاوت قوانین را اغلب مانع اجرای آن می‌شمارد، (بکاریا، ۱۳۶۸: ۸۰)، به عنوان مثال در مورد مصوبه مورد بحث چون مرتکب جرم از فضایی حوزه باشد؛ در برخی موارد پیگیری قانونی و مجازات با مانع مواجه شده و حفظ شأن و جایگاه اجتماعی و علمی مستلزم عدم مجازات خواهد بود.

آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ را محقق می‌سازد که مورد توجه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری قرار نگرفته است.

بر این اساس، هر چند عدم استفاده از عنوان دکتر توسط دارندگان مدرک معادل دکتری به لحاظ لزوم تفاوت قائل شدن میان مدارک صادره از حوزه و دانشگاه به تبع تفاوت روش و محتوای آموزش (چنان‌که کراراً از سوی مراکز و مراجع حوزوی به مناسبت‌های مختلف ذکر شده و حتی در بیانات رهبری معظم انقلاب نیز مورد تأکید قرر گرفته است) مناسب‌تر ارزیابی می‌شود؛ لیکن در عین حال به دلیل منتفی بودن آثار سو و نامطلوب استفاده از عنوان علمی در این فرض، این اقدام فاقد وصف مجرمانه بوده و با توجه به مشروح مذاکرات مجلس و تأکید شورای نگهبان، یقیناً این مورد مشمول ماده واحده نمی‌شود؛ لذا اصلاح بخشنامه هیئت مرکزی جذب اعضای هیئت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، -که می‌تواند محمل و مبنایی برای شروع به تعقیب قانونی فضلالی حوزه در پی اهداف سودجویانه و مغرضانه یا رد پرونده صلاحیت علمی ایشان در مراکز دانشگاهی قرار گیرد- ضروری خواهد بود که در شرایط فعلی با وجود دادنامه مورد بحث امکان الزام به اصلاح آن منتفی است. بدین ترتیب نظر به این که آرای دیوان به صورت یک مرحله‌ای صادر می‌شود و قابل تجدید نظر نیست، تنها راه رسیدگی مجدد از طرق مشخص شده در ماده ۹۱ و ۹۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری خواهد بود.

## منابع

- آقایی جنت مکان، حسین (۱۳۹۱)، جرم انگاری استفاده غیرمجاز از عناوین علمی؛ گامی مهم اما دیر هنگام، **دوفصلنامه دانش و پژوهش حقوقی**، دوره اول، شماره ۱.
- آقایی طوق، مسلم (۱۳۹۶)، نگاه تطبیقی به صلاحیت هیئت عمومی دیوان عدالت اداری نسبت به ابطال مقررات، **دوفصلنامه علمی-پژوهشی دیدگاه‌های حقوق قضایی**، شماره ۷۹ و ۸۰.
- بکاریا، سزار (۱۳۶۸)، **جرایم و مجازات‌ها**، ترجمه محمد علی اردبیلی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۶۸)، **ترمینولوژی حقوق**، تهران: گنج دانش.
- حاجی‌ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۵)، **بایسته‌های تقنین**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۰)، **حقوق اداری**، تهران: سمت.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۷)، **کلیات حقوق اساسی ایران**، تهران: انتشارات مجد.
- قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۷۹)، **روش تفسیر قوانین کیفری**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- گرجی، علی اکبر (۱۳۸۷)، **حاکمیت قانون و محدودیت‌های حق دادخواهی در دیوان عدالت اداری، حقوق اساسی**، شماره ۹.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۶۸)، **حقوق جزای عمومی ایران**، تهران: دانشگاه تهران.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۷۱)، **تحلیل مبانی حقوق جزا (ترجمه)**، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- مهرپور، حسین؛ هاشمی، سید محمد؛ ارسطا، محمد جواد؛ زارعی، محمد حسین (۱۳۸۰)، **کند و کاوی در جایگاه حقوقی سیاست‌های کلی نظام، مجله راهبرد**، شماره ۲۰.